

خصوصی‌سازی در ایران؛ چالش‌های نوین اقتصادی و مالی منطقه‌ای با نظریه داده‌بنیاد (گراند تئوری)

مهدی پناهی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرزانه حیدرپور^۱

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اسماعیل‌زاده مقری

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

امیررضا کیقبادی

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

DOI: 10.22067/erd.2022.70873.1053

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

اصل ۴۴ قانون اساسی به لزوم پیاده‌سازی خصوصی‌سازی در ایران پرداخته است که مبین اهمیت بالای آن در اقتصاد کشور است؛ در حالی که با سپری شدن بیش از ۴ دهه از تدوین این قانون، نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد خصوصی‌سازی در ایران پیشرفت بسیار کندی داشته و اجرای آن نیز تأثیر مثبتی در سودآوری بنگاه‌های اقتصادی واکذار شده نداشته و در عوض، بدهی‌ها و ریسک‌های آن‌ها افزایش یافته است. مطالعه در ابعاد گوناگون خصوصی‌سازی، از جمله موارد مالی و اقتصادی می‌تواند زوایا و مؤلفه‌های اثرگذار در اجرای صحیح آن را روشن سازد. هدف تحقیق حاضر ارائه نقش مؤلفه‌های اقتصادی و مالی در خصوصی‌سازی، در قالب مدلی به روش برخاسته از داده‌ها (داده‌بنیاد) -یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی- است. ابتدا شناخت اولیه داده‌ها به روش فراتحلیل اجرا شد و سپس روش داده‌بنیاد، با انجام ۱۴ مصاحبه در استان‌های تهران، اصفهان و خوزستان به روش گلوله برفی به اشباع رسید. با توجه به گوناگونی منابع سعی شد مدلی جامع از عوامل اقتصادی و مالی اثرگذار ارائه شود. یافته‌ها نشان داد عوامل علی اقتصادی و مالی اصلی اثرگذار بر خصوصی‌سازی عبارتند از: ۱. علل اقتصادی شامل ساختار و محیط اقتصادی کشور، توان بخش خصوصی و فساد اقتصادی؛ ۲. علل مالی شامل مسائل درون و برون‌سازمانی شرکت‌های دولتی، مشکلات موجود در محاسبات و برآوردها، عوامل انگیزشی و مقررات و استانداردهای موجود. شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها نیز بصورت مدلی یکپارچه ارائه شد و در نهایت کیفیت مدل با استفاده از روش دلفی مورد ارزیابی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: خصوصی‌سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، فراتحلیل، گراند تئوری.

۱- نویسنده مسئول: fheidarpoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

صفحات: ۵۶-۲۳

مقدمه

خصوصی‌سازی فرآیندی اجرائی، مالی و حقوقی است که در بسیاری از کشورها به اجرا در آمده و این امر پدیده‌ای است که اشتیاق جهانیان برای واگذاری فعالیت‌ها، آن را به یکی از ویژگی‌های متمایز سیاست‌های اقتصادی از دهه ۱۹۸۰ به بعد بدل ساخته است. سیاست خصوصی‌سازی به عنوان راهی در جهت کاهش فشار مالی شرکت‌های دولتی بر بودجه دولت و بالا بردن کارآیی آن‌ها، توانمندسازی بخش خصوصی، افزایش رقابت از طریق واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاه‌های دولتی به بخش غیر دولتی است. امروزه در بسیاری کشورها، خصوصی‌سازی و یا به عبارتی واگذاری فعالیت‌های بخش دولتی به بخش خصوصی در دستور کار دولت‌ها قرار دارد و مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث این حرکت گردیده است، عدم کارایی بخش دولتی در فعالیت‌های اقتصادی بوده است؛ این در حالی است که کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته به شرکت‌های دولتی متکی هستند. تلاش برای گسترش مالکیت دولتی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با حرکتی اساسی در حدود سال‌های ۱۹۸۰ مواجه شد و دولت‌ها به طور گسترده‌ای نظارتشان را با افزایش فعالیت بخش خصوصی، به خصوص به منظور تأمین خدمات کاهش دادند.

خصوصی‌سازی در کشورهایی مانند شیلی، انگلستان و نیوزیلند در بعد جهانی انجام گرفت و عمده شرکت‌هایی که خصوصی شدند شرکت‌های تولید انرژی، مخابرات، تأمین آب و خدمات حمل و نقل بودند (Azar et al., 2009).

با اینکه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی در اصل ۴۴ قانون اساسی مورد تأکید واقع شده است، در کشور ما اجرای آن به درستی صورت نگرفته است به همین دلیل بررسی ابعاد گوناگون، چالش‌ها و موانع خصوصی‌سازی در کشور ما ضروری نظر می‌رسد. بهبود عملکرد شرکت‌های خصوصی فقط با تغییر مالکیت قابل توجیه نیست؛ به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی باید با تعدیلات اقتصادی دیگر مانند تعدیل بازار سرمایه و سیستم بانکی ملی و همچنین تدوین قوانین و مقررات شرکت همراه باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی تأثیر مثبتی در سودآوری بنگاه‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نداشته و اثر منفی بوده است. علاوه بر این، خصوصی‌سازی این شرکت‌ها تاثیری در اثربخشی و کارایی فروش آنها نداشته است. در عوض، بدهی‌ها و ریسک‌های این بنگاه‌ها افزایش یافته است، در عین حال، اصلاح مالکیت برای اصلاح اوضاع لازم است (Alipour, 2013).

از موارد حائز اهمیت، تفکیک حوزه‌های گوناگون وظایف و امور است که می‌تواند رویکردهای متفاوتی را در واگذاری امور به بخش خصوصی بطلبد؛ مثلاً سریونو در سال ۲۰۱۹، در نتیجه‌گیری پژوهش خود تحت عنوان خصوصی سازی مدیریت منابع آب بیان کرد که در هر صورت، با خصوصی سازی یا عدم خصوصی سازی، کنترل آب باید به دولت برگردانده شود و آب برای بیشترین رفاه استفاده شود. این مدیریت را می‌توان به شرکت‌های خصوصی تحویل داد، ولی باید تشویق کرد تا آن‌ها در بهبود عملکرد عملیاتی مؤثرتر باشند. جوامع محلی نیز باید در مورد مدیریت آب نه تنها نیازهای روزمره بلکه بهینه سازی را آموزش دهند و سازمان به جلو سرانجام، دولت باید احزاب زیادی را به ویژه در میان دانشکده‌ها و دانشگاهیان درگیر کند تا احزاب بیشتری نسبت به موضوعات مطرح شده نگران باشند (Sriyono, 2019).

به نظر می‌رسد نمی‌توان گفت خصوصی سازی به طور مطلق منتج به بهبود اوضاع و ارتقاء عدالت اجتماعی می‌شود چنانکه آدامسون می‌گوید راه حل مشکل عدالت آموزش و پرورش، خصوصی سازی آموزش و پرورش نیست (Adamson & Galloway, 2019). انرایت در پژوهشی که در سال ۲۰۲۰ انجام داده چنین اذعان می‌کند که سیاست ایالت ماساچوست در خصوصی سازی وصول مطالبات مالیاتی از اشخاص، نتایج ناعادلانه‌ای برای آسیب پذیرترین اعضای جامعه ایجاد می‌کند. سیاستی که بدواً برای بهره‌مندی شهرها بنا شده است، ولی عملاً منتج به سوءاستفاده از فقرا، بیماران و سالمندان می‌شود. تأثیر منفی این سیاست بر جامعه که غالباً نادیده گرفته می‌شود، از فواید جانبی که شهرداری‌ها می‌توانند از آن بابت ادعای حمایت از این سیاست را داشته باشند، بیشتر است. مالکیت خانه و ثبات در خانه بخشی اساسی از زندگی یک شخص است، و این سیاست که می‌تواند منجر به سلب مالکیت شخص توسط بخش خصوصی، در ازای بدهی مالیاتی وی گردد، ناعادلانه و غیرقابل کنترل است. اگرچه پرداخت مالیات بر املاک برای همه مهم است، اما این سیاست سختگیرانه راه حل مناسبی نیست و قوه مقننه ماساچوست باید برای اجرای تغییر اقدام کند (Enright, 2020).

مبانی نظری پژوهش

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. خصوصی سازی، وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است، در صورتی که حداقل ۵۰٪ سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود (Yaqubi et al., 2021).

آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل» به ارائه نظریه‌ای پرداخت که مبنای نظری سیاست‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری را تشکیل داد. به طور کلی نظریه آدام اسمیت را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- وجود شرایط رقابتی در بازار؛ ۲- وجود بازار گسترده؛ ۳- علاقه سرمایه‌داران به انباشت سرمایه؛ ۴- وجود نوعی نیروی خود تنظیمی یا دست نامرئی؛ ۵- آزادی مبادلات تجاری بین کشورها؛ ۶- عدم دخالت دولت در اقتصاد ۷- اقتصاد دانشی جهان‌رواست. به نظر فردریک لیست نیز دخالت دولت در زمان و به مقدار مناسب پیش شرط حتمی توسعه موفقیت‌آمیز است. (Razzaqi, 1997).

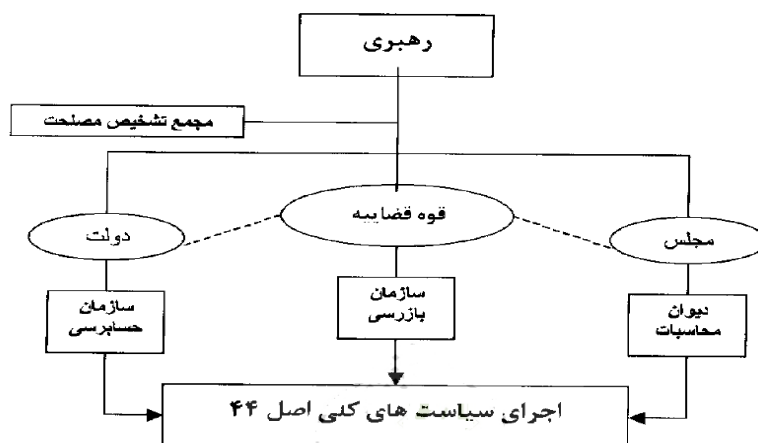
تجربه نشان داده است که دخالت مستقیم دولت در اقتصاد به شکل تصدی‌گری، نه تنها نتوانسته مشکلات اقتصادی کشورها را مرتفع سازد بلکه خود مانعی بر سر راه رشد، توسعه و رفاه اجتماعی بوده است (Nwankwo & Richards, 2011).

به‌طور کلی باید گفت خصوصی‌سازی بخشی از سیاست اقتصادی جامع‌تری است که امروزه تحت عناوینی چون آزادسازی اقتصادی و یا پیوستن به اقتصاد جهانی از سوی برخی از دولت‌ها به شدت تعقیب می‌گردد نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز از مدافعان سرسخت این سیاست نوظهور محسوب می‌گردند. (Eskandari & Razmjui, 2019).

خصوصی‌سازی فرآیندی اجرائی، مالی و حقوقی است که در بسیاری از کشورها به اجرا در آورده و این امر پدیده تازه‌ای است که اشتیاق جهانیان برای واگذاری فعالیت‌ها، آن را به یکی از ویژگی‌های متمایز سیاست‌های اقتصادی از دهه ۱۹۸۰ به بعد بدل ساخته است. سیاست خصوصی‌سازی به عنوان راهی در جهت کاهش فشار مالی شرکت‌های دولتی بر بودجه دولت و بالا بردن کارآیی آن‌ها، توانمندسازی بخش خصوصی، افزایش رقابت از طریق واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاه‌های دولتی به بخش غیر دولتی است. در دو دهه گذشته خصوصی‌سازی به‌عنوان یک سیاست مهم اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطلوب، کاهش هزینه‌های گزاف تولید و رهایی از عملکرد ناکارای شرکت‌های دولتی مورد پذیرش کشورهای مختلف از جمله ایران (از سال ۱۳۶۸) بوده است. لیکن این امر از سال ۱۳۷۹ با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و پیش‌بینی احکام مربوط در قوانین برنامه سوم و چهارم و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تصویب قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت (Azar et al., 2009).

با نگاهی به عملکرد چند ساله گذشته خصوصی‌سازی در کشور می‌توان دریافت که روند مورد انتظار و مثبتی از اجرای این سیاست بدست نیامده است. این در حالی است که نسبت بودجه عمومی و بودجه کل

کشور به محصول ناخالص داخلی افزایش چشمگیری یافته است. بی تردید افزایش این نسبت ها حاکی از عملکرد ضعیف خصوصی سازی از یک سو و دولتی سازی از سوی دیگر است (Komijani, 2003). اجرای خصوصی سازی نیازمند سیستم نظارتی قوی است که ساختار این سیستم را می توان در شکل ۱ مشاهده کرد: (Ghanbari & Spanloo, 2008)



شکل ۱: نمودار سیستم نظارتی جهت اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

پیشینه پژوهش

طی مقاله ای در سال ۲۰۲۱ راهبردهایی برای اجرای بهتر خصوصی سازی ارائه شد که اهم آن به قرار زیر است: (Yaqubi et al., 2021)

۱. تغییر رویکرد دولت از نگاه صرفاً سیاسی به خصوصی سازی و اجرای صحیح آن، با نگاه بلندمدت با افزایش سرمایه گذاری های جدید.
 ۲. نظارت دقیق نهادهای نظارتی بر جلسات و روند اجرای خصوصی سازی و همچنین بررسی سابقه افراد متصدی خصوصی سازی.
 ۳. تعریف هنجارهای قانونی جامع و قابل اجرا برای خصوصی سازی بخش های مختلف اقتصادی.
- در سال ۲۰۲۰ نیز طی مقاله ای چنین عنوان شد که خصوصی سازی خدمات عمومی، شهروندان را تبدیل به کالاهایی درآمدزا می کند و ساختارهای جدید برون سپاری، ممکن است منجر به بهترین منافع عمومی نگردد. (Carnoy & Marachi, 2020).

در تحقیقی در سال ۲۰۱۸ بیان شد که خصوصی‌سازی مستلزم انتقال دارایی‌های تولیدی از دولت به بخش خصوصی است که چنین نقل و انتقالی، ماهیتاً، به لحاظ سیاسی حساس هستند و در معرض فساد و سوء استفاده احتمالی قرار دارند. با این فرض که هدف اصلی خصوصی‌سازی، تقویت رشد اقتصادی است، سیاست‌گذاران باید از نظر فضای کسب‌وکار برای رقابت، حاکمیت و ورود، پیش شرط‌های موفقیت را بررسی و تعیین کنند. شواهد نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در محیط‌های تجاری قوی‌تر، مزایای بیشتری در عملکرد شرکت دارد زیرا موفقیت این فرایند متکی بر حاکمیت شرکتی مؤثر شرکت‌های خصوصی واکگذار شده و همچنین رقابت مؤثر بازار است (Estrin & Pelletier, 2018).

در پژوهشی مفصل نیز شرحی از موانع خصوصی‌سازی به شرح زیر ارائه شد: (Amiri et al., 2013)

عدم حاکمیت منطق هزینه - فایده، عدم بررسی روش‌های موجود خصوصی‌سازی به منظور انتخاب مؤثرترین روش برای واگذاری باشگاه‌ها، محدودیت‌های محیط قانونگذاری و نظارتی؛ فقدان برنامه‌ریزی کلان، عدم تعریف مشخص از بخش خصوصی و غیردولتی؛ عملکرد ضعیف سازمان‌ها، آماده نبودن زیرساخت‌های لازم، عدم شفافیت در قراردادها و مشخص نبودن حقوق مالکیت در آن، عدم کارایی و نقص در سیستم بازار و نبود بخش خصوصی کارآمد؛ باورها و ارزش‌های ایدئولوژیک و سیاسی خاص در نظام اقتصادی کشور، عدم خلاقیت و کارآفرینی و آمادگی بخش خصوصی برای پذیرش خطر و دانش و آگاهی ادارهٔ تشکیلات وسیع، فقدان حجم پس‌انداز قابل توجه در سرمایه‌داران داخلی، عدم توجه بخش خصوصی به مسئلهٔ بیکاری درحالی‌که اشتغال‌زایی در کشورهای در حال توسعه یک ضرورت است، استفادهٔ دولت‌ها از شرکت‌ها و مؤسسات دولتی علاوه بر سیاست‌گذاری‌ها، به‌عنوان یک وسیلهٔ نهادی مهم و درخور توجه در توسعه و سیاست عمومی، تصمیم‌گیری بخش خصوصی براساس قیمت‌های بازاری و عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه (تولید کالاهای لوکس سودآورتر به جای تولید کالاهای ضروری)، بی‌ثباتی و نامطمئن‌ی اقتصاد ملی، ابهام سیاسی در مورد خصوصی‌سازی، مخالفت گروه‌های ذینفعی که از کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی سود می‌برند، بازارهای مالی ضعیف، تأخیرها و پیچیدگی‌های بوروکراتیک، ضعف مهارت‌های مدیریتی در اقتصاد بازار، قوانین نامطمئن و ناقص مالکیت، قوانین محدودکننده و مالیات‌های سنگین، انزجار عمومی نسبت به کارآفرینان خصوصی، وجود اهداف مبهم، چندگانه و متضاد، فقدان انگیزه در سطوح مدیریتی، تصمیم‌گیری بیش از حد متمرکز، مقاومت کارکنان و مدیران بخش‌های دولتی در قبال خصوصی‌سازی، اجتناب سرمایه-

گذاران خارجی و داخلی از درگیری در برنامه‌های خصوصی‌سازی و عدم تمایل رهبران سیاسی نسبت به برنامه‌های خصوصی‌سازی.

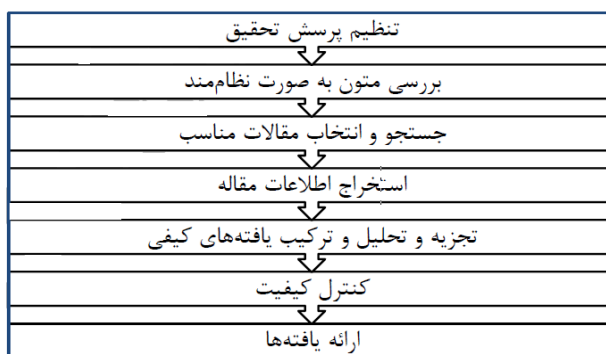
پژوهش‌های گوناگون دیگری در مورد خصوصی‌سازی و با محوریت موانع و چالش‌های موجود در کشور در این زمینه انجام شده است از جمله، (DaneshJafari et al., 2009) به بررسی اثر واگذاری مالکیت دولتی به بخش خصوصی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل سطح تولید، سطح اشتغال، نرخ تورم، حجم تجارت و صادرات غیر نفتی پرداختند نتایج پژوهش حاکی از آن بود که اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ افزایش سلامت تولید، اشتغال، حجم تجارت و صادرات غیر نفتی و کاهش نرخ تورم را در پی دارد، به بیان دیگر واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی منجر به بهبود متغیرهای کلان اقتصادی شده است. نصیری (۲۰۰۳) بیان کرد که واگذاری سهام شرکت‌ها به بخش خصوصی، عملاً نوعی مشارکت بین بخش خصوصی و دولت و نهادهای عمومی به وجود آورده است و از این راه شرکت‌ها و مؤسساتی به وجود آورده است که واقعاً دولتی است ولی عملاً از نظارت دولت خارج است. بر اساس تحقیقی که با استفاده از منطق فازی انجام شد، چهار عامل سیاسی، اقتصادی، اجرایی-اداری و حقوقی را با درجه اهمیت نخست سیاسی، موانع اصلی خصوصی‌سازی معرفی کردند (Hemmati et al., 2011)

روش‌شناسی پژوهش

در مرحله اول این پژوهش، داده‌های اولیه با استفاده از روش فراتحلیل گردآوری شد. نتیجه بررسی سوابق مطالعاتی در مورد خصوصی‌سازی این بود که با استفاده از مطالعات پیشین، درکی مناسب از فضا و چالش‌های خصوصی‌سازی که قبلاً مورد مواجهه پژوهشگران قرار داشته به دست آمد؛ این داده‌ها منجر به ایجاد دید بهتر و روشن‌تری در اجرای روش داده‌بنیاد و طراحی و پیشبرد مصاحبه با نخبگان گردید. پس از انجام روش داده‌بنیاد، مدلی به دست آمد که جهت اعتباربخشی بیشتر، به روش دلفی مورد ارزیابی قرار گرفت که جزییات و نتایج آن در ادامه ارائه گردیده است. به جهت اینکه منابع از اعتبار و قابلیت ردیابی بیشتری برخوردار باشند از داده‌های آرشیوی استفاده نشد.

فراتحلیل^۱ یا فراترکیب

فراتحلیل یکی از روش‌هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی، مطالعات پیشین به کار می‌رود و نوعی پژوهش درباره پژوهش‌های گذشته و یکی از روش‌هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی، مطالعات پیشین به کار می‌رود؛ برای انجام فراتحلیل، روشی هفت مرحله‌ای معرفی کرده‌اند که خلاصه آن در شکل ۲ نشان داده شده است: (Sandelowski et al., 2007)



شکل ۲: مراحل اجرای فراتحلیل

چگونگی اجرای روش فراتحلیل

نخستین گام فراتحلیل تنظیم سؤالات پژوهش است. در جدول ۱ گروه‌بندی و تحلیل ابعاد موانع خصوصی‌سازی مورد سؤال قرار گرفته است.

جدول (۱): سوال‌های پژوهش

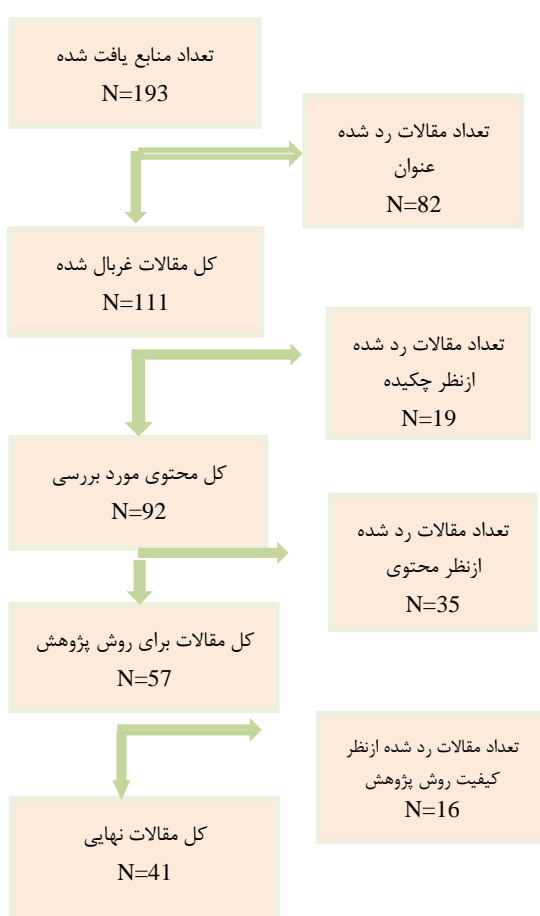
سؤال پژوهش	پارامتر
موانع اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و اجرای صحیح آن در ایران چیست؟	چه چیزی؟
چه کسانی می‌توانند در مورد اجرای خصوصی‌سازی در ایران اختلال نمایند؟	چه کسی؟
چگونه اجرای درست خصوصی‌سازی دچار اختلال می‌شود؟	چگونه؟

^۱ . Meta-synthesis

در ادامه باید به جستجوی سیستماتیک منابع معتبر در بازه زمانی مناسب پرداخت. در فرایند جستجو پژوهشگر پارامترهای مختلفی را مانند عنوان، چکیده، محتوا، جزئیات مقاله (نام نویسنده، سال و...) را در نظر گرفته و مقالاتی که با سؤال و هدف پژوهش تناسبی ندارد، حذف می کند. در شکل ۳ خلاصه فرایند ارائه شده است.

یافته های روش فراتحلیل

پس از انتخاب مقالات و منابع مناسب، نوبت به مرحله استخراج اطلاعات از مقالات می رسد. در این مرحله، منابع منتخب طی چندین مرحله مورد مطالعه قرار گرفت که حاصل این بررسی ها به دست آمدن ۱۰۷ کد می باشد که ۱۸ مورد از آن ها مربوط به مؤلفه های اقتصادی و ۱۲ مورد مربوط به عوامل ملی و حسابداری است. بخشی از این کدها به همراه منابعی که در موردشان اتفاق نظر دارند، در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۳: نتایج جستجو و انتخاب مقالات

جدول (۲): کدهای بدست آمده از مطالعه منابع

کد	منبع
نفوذ اشخاص و گروه‌های سیاسی	صفارزاده، ۱۳۸۱؛ ربیعی، ۱۳۹۲؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ نصیرزاده، ۱۳۸۳؛ سلطان حسینی، ۱۳۹۶؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ قادری، ۱۳۸۸؛ امیری، ۱۳۹۲؛ نظری و لاشجردی، ۱۳۸۹؛ قهرمانی، ۱۳۸۹
جابجایی قدرت جناح‌ها	قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ اشتریان، ۱۳۸۶؛ فردرو، ۱۳۸۵؛ همتی، ۱۳۹۰
.	.
.	.
.	.
اقتصاد دولتی (نا آزاد)	آل عمران، ۱۳۹۰؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ سعیدی، ۱۳۸۷؛ دادجوی توکلی، ۱۳۸۳؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ کمیته برنامه‌ریزی صنعت - برنامه پنج ساله دوم؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۲؛ کاظم‌زاده، ۱۳۸۸
ضعف بازار سرمایه و بورس	صفارزاده، ۱۳۸۱؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ سعیدی، ۱۳۸۷؛ همتی، ۱۳۹۰؛ سلطان حسینی و دیگران، ۱۳۹۶؛ زارع و همکاران، ۱۳۹۳؛ دادجوی توکلی، ۱۳۸۳؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ سازمان صنایع ملی ایران؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۲؛ قهرمانی، ۱۳۸۹
عدم ثبات اقتصادی	صفارزاده، ۱۳۸۱؛ حسینی، ۱۳۸۴؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ فردرو، ۱۳۸۵؛ نصیرزاده، ۱۳۸۳؛ همتی، ۱۳۹۰؛ دادجوی توکلی، ۱۳۸۳؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸؛ قهرمانی، ۱۳۸۹
بروکراسی زاید	آل عمران، ۱۳۹۰؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲؛ اشتریان، ۱۳۸۵؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ کوچکی، ۱۳۹۳؛ سلطان حسینی و دیگران، ۱۳۹۶؛ قادری، ۱۳۸۸؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۲؛ قره‌خانی، ۱۳۸۹
ضعف بخش خصوصی	صفارزاده، ۱۳۸۶؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ فردرو، ۱۳۸۵؛ سعیدی، ۱۳۸۷؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ کمیته برنامه‌ریزی صنعت - برنامه پنج ساله دوم؛ قادری، ۱۳۸۸
اقتصاد رانتی و زیرزمینی	آل عمران، ۱۳۹۰؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ نصیرزاده، ۱۳۸۳؛ همتی، ۱۳۹۰؛ دادجوی توکلی، ۱۳۸۳؛ قادری، ۱۳۸۸؛ نظری و لاشجردی، ۱۳۸۹

.	.
.	.
.	.
آل عمران، ۱۳۹۰؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲؛ حسینی، ۱۳۸۴؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ زارع و همکاران، ۱۳۹۳؛ قادری، ۱۳۸۸؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۱؛ دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸؛ منوریان، ۱۳۸۰؛ فصلنامه مدیریت پرستاری، ۱۳۹۴؛ نظری و لاشجردی، ۱۳۸۹؛ عسگری، ۱۳۸۴	عدم دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف
حسینی، ۱۳۸۴؛ قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ قره‌خانی، ۱۳۸۹؛ سازمان صنایع ملی ایران؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۲؛ قهرمانی، ۱۳۸۹	عدم حاکمیت منطق (هزینه-فایده)
آل عمران، ۱۳۹۰؛ مهربان فر، ۱۳۸۵؛ سعیدی، ۱۳۸۷؛ کوچکی، ۱۳۹۳؛ اسدی، ۱۳۸۰؛ زادبوم، ۱۳۷۴؛ کمیته برنامه‌ریزی صنعت- برنامه پنج ساله دوم	مشکل قیمت گذاری سهام واحدها
قنبری و سپانلو، ۱۳۸۷	تجدید ارزیابی پیچیده

پس از استخراج کدها، دسته‌بندی آن‌ها به طبقات کلی‌تر در قالب تم و سپس مؤلفه (مقوله) انجام شد که حاصل آن، دسته‌بندی موانع اقتصادی و مالی خصوصی‌سازی به شرح جداول ۳ و ۴ می‌باشد.

جدول (۳): طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل اقتصادی

مؤلفه	تم	کد
عوامل اقتصادی	۱. ساختار اقتصادی کشور	۱. دولتی (نا آزاد) بودن اقتصاد
		۲. ضعف بازار سرمایه و بورس
		۳. عملکرد بانک‌ها و نهادهای مالی
		۴. بروکراسی زاید
		۵. نبود فضا و بستر مناسب
		۶. نبود نظام قیمت‌گذاری یکپارچه
		۷. نبود سیستم اطلاعاتی یکپارچه
		۸. تعدد سازمان‌های درگیر و عدم استقلال مجریان

۱. عدم ثبات اقتصادی ۲. مشکل اشتغال و بیکاری ۳. وابستگی به نفت ۴. عدم ارتباط شرکت‌ها با بازار بین‌المللی ۵. نبود امنیت سرمایه‌گذاری ۶. بازدهی بالای فعالیت غیر مولد	۲. محیط اقتصادی	
۱. ضعف بخش خصوصی	۳. بخش خصوصی	
۱. قدرت بخش‌های شبه دولتی ۲. اقتصاد رانتی و زیرزمینی	۴. فساد اقتصادی	
۱. عوامل کلی اقتصادی		

جدول (۴): طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل به مسائل مالی و حسابداری

مؤلفه	تم	کد
عوامل مربوط به مسائل مالی و حسابداری	۱. مسائل درون‌سازمانی شرکت‌ها	۱. عدم برخورداری شرکت‌ها از ساختار مالی مناسب ۲. نیاز به اصلاح صورت‌های مالی
	۲. مسائل برون‌سازمانی شرکت‌ها	۱. عدم دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف ۲. عدم تقارن اطلاعات ۳. بهای تمام‌شده غیررقابتی
	۳. مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها	۱. عدم حاکمیت منطق (هزینه-فایده) ۲. مشکل قیمت‌گذاری سهام واحدها ۳. تجدید ارزیابی پیچیده ۴. مشکل قیمت‌گذاری دارایی‌ها ۵. پیچیدگی‌های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری ۶. عدم توانایی در شناسایی هزینه‌های غیرمستقیم ۷. مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی‌سازی

نظریه داده بنیاد^۱ (گراند تئوری)

در این پژوهش از روش تئوری داده بنیاد برای گردآوری و تحلیل داده ها استفاده می شود که از بعد هدف، از نوع تحقیقات اکتشافی شمرده می شود و از بعد استراتژی در دسته تحقیقات غیرآزمایشی، میدانی و کیفی قرار می گیرد. این روش که با نام گراند تئوری^۲ شناخته می شود، ترجمه های مختلفی دارد، از جمله نظریه زمینه ای، نظریه بنیادی، نظریه پردازی داده بنیاد، نظریه مبتنی بر داده ها و نظریه برخاسته از داده ها. روش داده بنیاد روش استقرایی برای نظریه پردازی و نظریه گستر است که نظریه تدوین شده برخاسته از داده هایی است که به شکل نظام مند و همزمان گردآوری و تحلیل می شوند (Strauss & Corbin, 1998). پس از اجرای روش فراتحلیل و شناسایی مؤلفه های اولیه، برای شناسایی مؤلفه های تازه و تکمیلی و ساخت مدل، ابزار مصاحبه عمیق با مدیران، کارشناسان و اساتید دانشگاه به کار گرفته شد. دوره زمانی تحقیق شامل سال ۱۳۹۸ می باشد. روش نمونه گیری بر مبنای نمونه گیری نظری (روش گلوله برفی) است که در آن نمونه هایی انتخاب می شوند که بیشترین قدرت تبیین و استدلال را فراهم می آورند و نمونه گیری تا زمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع نظری برسد. این پژوهش با مصاحبه از ۱۴ نفر به شرح جدول ۵ زیر به اشباع رسید.

جدول (۵): ترکیب مصاحبه شوندگان

سابقه کاری			تحصیلات			تعداد	سمت/موقعیت شغلی
بیش از ۳۰ سال	۱۵-۳۰ سال	کمتر از ۱۵ سال	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی		
	۴	۲	۶			۶	اساتید دانشگاه
	۳	۲		۱	۴	۵	مدیران عامل شرکت ها
۱	۲			۲	۱	۳	مدیران مالی سابق شرکت های دولتی واگذار شده
۱	۹	۴	۶	۳	۵	۱۴	جمع

^۱ . Granded Theory

^۲ . Grounded theory

یافته‌های پژوهش

گام‌های برداشته شده در انجام این تحقیق پس اجرای روش فراتحلیل در شکل شماره ۴ درج شده است:



شکل ۴: گام‌های روش داده‌بنیاد

کدگذاری باز

عبارت است از روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها. روش کدگذاری باز، نه تنها به کشف مقوله‌ها می‌انجامد بلکه خصوصیات و ابعاد آن‌ها را نیز روشن می‌سازد. این کدگذاری متن بعد از خواندن مکرر و دقیق مواد آن انجام می‌شود. واحدهای معنادار معرفی، توضیح و نام‌گذاری می‌شوند. تحت این نوع کدگذاری مجموعه‌ای از مقولات مفهومی ایجاد و سپس مجموعه‌ای از این مفاهیم که دارای اشتراک بوده‌اند در سطح بالاتر طبقه‌بندی می‌شود (Bazargan, 2012).

در این تحقیق پس از هر مصاحبه متن مصاحبه به‌دقت بررسی و مفاهیم اساسی و مرتبط استخراج شد و با برداشت نکات کلیدی کدگذاری باز انجام شد؛ سپس مصاحبه بعدی انجام گردید. با ادامه این رویه، جمع‌بندی نتایج و اشباع نظری در مورد مصاحبه‌ها مورد توافق قرار گرفت. اشباع نظری معیاری است که بر اساس آن محقق با رسیدن به این نتیجه که مفهوم و مقوله جدیدی در مصاحبه‌ها یافت نمی‌شود و پاسخ‌ها نتایج یکسانی به دست می‌دهد، در مورد اتمام فرآیند گردآوری داده‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. در این تحقیق با انجام ۱۴ مصاحبه اشباع نظری حاصل و در مجموع ۵۳ مفهوم استخراج شد. برای نمونه مفاهیم

استخراج شده از مصاحبه اول عبارتند از نبود فضا و بستر مناسب، عدم استقلال مجریان خصوصی سازی، اقتصاد رانتهی و زیرزمینی، دولتی (نا آزاد بودن اقتصاد) و تعدد سازمان‌های درگیر و عدم استقلال مجریان. برای نمونه، چگونگی کدگذاری نقل قول از یکی از مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر تشریح می‌گردد:

“ وقتی مجریان فرآیند خصوصی سازی از مسائل مالی و گزارش‌های حسابداری هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارند { دانش مالی مجریان } به طور طبیعی اگر عزمی برای سوءاستفاده از این موضوع توسط افرادی که منتظر چنین فرصت‌هایی برای تصاحب شرکت‌های مرغوب هستند وجود داشته باشد که واقعاً هم وجود دارد، هر اندازه هم سلامت اجرا مد نظر قرار داده شود، با ارائه اطلاعات نادرست و بدون پشتوانه { کیفیت اطلاعات }، اجرای امر خصوصی سازی دچار اختلال می‌شود. ... ”

پس از این مرحله، کدگذاری سطح دوم برای تشکیل مقوله‌ها با معنای استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه برای غربال و حذف داده‌های زیادی، صورت گرفت که مستلزم مراجعه به متون عباراتی است که کدها از آن استخراج شده، سپس مقایسه کدها با یکدیگر و شناسایی کدهای مشابه و متداخل، تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم اولیه و دسته‌بندی مفاهیم مشابه با خاستگاه مشترک در قالب یک مقوله واحد است که این کار همواره منجر به دسته‌بندی انبوه داده‌های اولیه در مقوله‌هایی محدود و مشخص می‌شود که در سطحی بالاتر از مفاهیم فوق بوده، انتزاعی‌تر است و مفاهیم قبلی را پوشش می‌دهد. در مجموع ۵۳ مفهوم در ۹ مقوله و مقوله‌ها در ۲ مؤلفه دسته‌بندی شد. مقوله‌های به دست آمده به همراه مفاهیم تشکیل‌دهنده آن‌ها در جداول ۶ و ۷ ارائه شده است.

خروجی مطالعات نشان داد بیشترین فراوانی آرا و در واقع رتبه اول فراوانی، به ساختار اقتصادی کشور بازمی‌گردد که در واقع مهم‌ترین سد اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است؛ هرچند سایر عوامل هم از درجه اهمیت کمی برخوردار نیستند. در واقع تمامی این موارد حتی در جزئی‌ترین بخش می‌تواند جلوی خصوصی سازی و حرکت روبه‌جلوی اقتصاد را بگیرد که بیانگر لزوم حساسیت تمام ارکان جامعه اعم از قوای سه‌گانه و آحاد مردم در برطرف نمودن موانع مذکور و هموارسازی مسیر خصوصی سازی در کشور است.

در ساختار اقتصادی کشور، دولتی است و از این رو از مزایای یک اقتصاد آزاد و رقابتی محروم است در نتیجه برای گذر این شکل اقتصاد، باید از ابزارهایی چون بازار بورس جهت واگذاری سهام شرکت‌های دولتی بهره برد که نظرات کارشناسان مبین این است که بازار بورس و سرمایه در انجام این امر خطیر نیاز به تقویت اساسی دارد. عملکرد بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی نیز بیشتر رویکرد کسب سود و شرکت در امور

گوناگون تجاری دارد؛ در این میان نباید از نقش بازدارندهٔ بوروکراسی و دیوان‌سالاری زاید غافل بود که در کل منجر به کندی بیش از اندازهٔ اجرای برنامه‌های مصوب می‌شود که وجود این امر و موضوعات مشابه منجر به نبود فضا و بستر مناسب خصوصی‌سازی در ایران شده است.

جدول (۶): طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل اقتصادی

مؤلفه	تم	کد
عوامل اقتصادی	۱. ساختار اقتصادی کشور	۱. دولتی (نا آزاد) بودن اقتصاد ۲. ضعف بازار سرمایه و بورس ۳. عملکرد بانک‌ها و نهادهای مالی ۴. بروکراسی زاید ۵. نبود فضا و بستر مناسب ۶. نبود نظام قیمت‌گذاری یکپارچه ۷. نبود سیستم اطلاعاتی یکپارچه ۸. تعدد سازمان‌های درگیر و عدم استقلال مجریان
	۲. محیط اقتصادی	۱. عدم ثبات اقتصادی ۲. مسائل مربوط به اشتغال و بیکاری ۳. وابستگی به نفت ۴. عدم ارتباط شرکت‌ها با بازار بین‌المللی ۵. نبود امنیت سرمایه‌گذاری ۶. بازدهی بالای فعالیت‌های غیر مولد
	۳. بخش خصوصی	۱. ضعف بخش خصوص ۲. فشار شرکت‌های خصولتی
	۴. فساد اقتصادی	۱. قدرت بخش‌های شبه دولتی ۲. اقتصاد رانتی و زیرزمینی ۳. انتخاب سیاسی مدیران اقتصادی

وجود سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه در کشورهای پیشرفته، آمادگی فضای اقتصادی را برای حرکت‌های اساسی هموار می‌کند و نظام قیمت‌گذاری یکپارچه از تضعیف بخش خصوصی در مقابل مانور قیمتی نهادهای وابسته به دولت جلوگیری می‌کند که ساختار اقتصادی کشور ما فاقد این موارد است. از تعدد

سازمان‌های درگیر و عدم استقلال مجریان خصوصی سازی نیز نمی‌توان در عدم توفیق در این موضوع چشم‌پوشی نمود.

اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مستلزم وجود محیط اقتصادی آرام و باثبات است و از آنجا که بخش خصوصی نیازمند رشد و حضور در بازارهای بین‌المللی است، عدم ارتباط شرکت‌ها با بازار بین‌المللی و نبود امنیت سرمایه‌گذاری بسیار آسیب‌رسان است. همچنین بازدهی بالا و زحمت کم فعالیت‌های واسطه-گری و غیرمولد و وابستگی به درآمد نفت مدت‌ها سبب بی‌انگیزگی و تکاپوی لازم در جهت پیشرفت تولید شده است. باید توجه داشت که خصوصی سازی می‌تواند در جهت افزایش بهره‌وری شرکت‌ها منجر به کاهش نیروهای کار و افت اشتغال در کشور شود که این موضوع در کندی پیشرفت این امر تأثیرگذار بوده است.

حضور بخش خصوصی برای به گرفتن فعالیت‌های بزرگ اقتصادی از دولت مستلزم داشتن توان بالای مالی است که به نظر می‌رسد این بخش چندان قدرتمند نیست همچنان که وجود شرکت‌های به اصطلاح خصوصی و قدرت بخش‌های شبه‌دولتی نیز توان رقابت را از آن سلب نموده است. فساد اقتصادی در قالب وجود اقتصاد رانتی و زیرزمینی و انتخاب سیاسی مدیران اقتصادی نیز منجر به واگذاری‌های اشتباه و خارج شدن خصوصی سازی از مسیر واقعی خود شده است.

جدول (۷): طبقه‌بندی یافته‌ها از بعد عوامل به مسائل مالی و حسابداری

مؤلفه	تم	کد
عوامل مربوط به مسائل مالی و حسابداری	۱. مسائل درون‌سازمانی رکت‌ها	۱. عدم برخورداری شرکت‌ها از ساختار مالی مناسب
		۲. عدم کفایت تخصص تهیه‌کنندگان اطلاعات
		۳. کیفیت پایین اطلاعات مالی شرکت‌ها
		۴. نیاز به اصلاح صورت‌های مالی
		۵. ضعف دانش مالی مدیران
		۶. اندازه و میزان سرمایه‌بری شرکت‌ها
		۷. مشکلات اصلاح ساختار شرکت‌ها

<p>۱. عدم دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف</p> <p>۲. عدم تفارن اطلاعاتی (مشکل اطلاعاتی)</p> <p>۳. بهای تمام شده غیررقابتی</p> <p>۴. عدم توسعه حاکمیت شرکتی</p> <p>۵. عدم گسترش سیستم‌های اطلاعاتی در کشور</p> <p>۶. کیفیت دانش دست اندرکاران و مجریان</p> <p>۷. ضعف فرهنگ توجه کافی به اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری</p> <p>۸. نبود درک اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی</p> <p>۹. وجود دید وقایع‌نگاری نسبت به حسابداری</p> <p>۱۰. عدم هماهنگی اطلاعات تهیه شده با شرایط اقتصادی</p>	<p>۲. مسائل برون‌سازمانی شرکت‌ها</p>	
<p>۱. عدم حاکمیت منطق (هزینه- فایده) در شرکت‌های دولتی</p> <p>۲. مشکل قیمت‌گذاری سهام واحدها</p> <p>۳. پیچیدگی تجدید ارزیابی</p> <p>۴. مشکل قیمت‌گذاری دارایی‌ها</p> <p>۵. پیچیدگی‌های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری</p> <p>۶. عدم توانایی در شناسایی هزینه‌های غیرمستقیم</p> <p>۷. مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی‌سازی</p>	<p>۳. مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها</p>	
<p>۱. کارایی پایین شرکت‌ها نسبت به استانداردهای موجود</p> <p>۲. شناخته شده بودن و آسان بودن اخذ مالیات از شرکت‌های واگذارشونده</p> <p>۳. عدم استفاده از مشوق‌های مالی و سرمایه‌ای</p> <p>۴. نرخ سود بالای تسهیلات اعطایی به بخش‌های خدماتی</p> <p>۵. بی‌توجهی به کارآفرینان بخش خصوصی</p> <p>۶. عدم حمایت پس از واگذاری</p> <p>۷. نامرغوب بودن و بدهی بالای شرکت‌های واگذار شونده</p>	<p>۴. عوامل انگیزشی</p>	
<p>۱. کلی‌گویی و ضعف در استانداردهای حسابداری مربوط</p> <p>۲. ضعف ضمانت اجرای مقررات و استانداردها</p> <p>۳. رجحان شکل بر محتوی در رعایت مقررات و استانداردها</p>	<p>۵. عوامل مربوط به قوانین و مقررات مالی</p>	

اگر از منظر مسائل مالی و حسابداری به چالش‌های خصوصی سازی از دید کارشناسان نگاه کنیم، ۵ دسته مسائل درون‌سازمانی شرکت‌ها، مسائل برون‌سازمانی شرکت‌ها، مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها، عوامل انگیزشی و عوامل انگیزشی نقش موثری دارند که هر کدام حاوی موارد تفصیلی دیگری هستند.

شرکت‌های دولتی بخاطر ماهیت و اهداف و خط مشی از ساختار مالی مناسب و تخصص بالا و کافی تهیه کنندگان اطلاعات برخوردار نیستند که منجر می‌شود به کیفیت پایین اطلاعات مالی و نیاز اساسی به اصلاح و بازنگری صورت‌های مالی و در این بین، مدیران رده بالا دانش مالی کافی برای تشخیص این مسائل را ندارند؛ همچنین سوای از مشکلات اصلاح ساختار شرکت‌ها اغلب شرکت‌های دولتی اندازه سرمایه‌بری بالایی دارند.

از بعد مشکلات برون‌سازمانی، دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف وجود ندارد و عدم تقارن اطلاعاتی، فضای رقابت را ناعادلانه می‌نماید؛ همچنین بهای تمام شده غیررقابتی، عدم توسعه حاکمیت شرکتی، عدم گسترش سیستم‌های اطلاعاتی در کشور به این فضای ناعادلانه دامن می‌زند. از سوی دیگر، کیفیت پایین دانش دست اندرکاران و مجریان خصوصی سازی به خاطر انتخاب غیرعلمی، ضعف فرهنگ توجه کافی به اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری، نبود درک اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی که منجر به پدید آمدن دید وقایع‌نگاری نسبت به حسابداری شده و نیز ناهماهنگی اطلاعات تهیه شده در شرکت‌ها با شرایط اقتصادی موجود حرکت خصوصی سازی را دچار مشکل نموده است.

از نظر مسائل مربوط به محاسبات و برآوردها، به دلیل حاکم نبودن منطق (هزینه- فایده) در شرکت‌های دولتی، محاسبات انجام شده در بسیاری از اطلاعات و گزارش‌های مالی کیفیت مطلوبی ندارد و قیمت گذاری سهام واحدها بسیار مشکل است همچنان که پیچیدگی تجدید ارزیابی و مشکل قیمت گذاری دارایی‌ها، پیچیدگی‌های بسیار بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری در این شرکت‌ها، مشکلات شناسایی هزینه‌های غیرمستقیم و مشکلات ارزیابی هزینه - منفعت خصوصی سازی، بسیار قابل توجه است.

از منظر مسائل انگیزشی باید اذعان نمود که فرآیند خصوصی سازی بدون ترغیب بخش خصوصی و ایجاد انگیزه‌های سودآوری امکان‌پذیر نیست؛ درحالی‌که به نظر کارشناسان، شرکت‌های واگذارشونده کارایی پایینی نسبت به استانداردهای موجود دارند و از آنجاکه متعلق به دولت بوده‌اند، برای اداره مالیاتی کاملاً شناخته شده هستند و اخذ مالیات از آن‌ها آسان است همچنان‌که از مشوق‌های مالی و سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاران خبری نیست. نرخ سود بالای تسهیلات اعطایی به بخش‌های خدماتی، بی‌توجهی به

کارآفرینان بخش خصوصی، عدم حمایت پس از واگذاری و همچنین نامرغوب بودن و بدهی بالای شرکت‌های واگذار شونده، همگی منجر به بی‌انگیزگی بخش خصوصی برای ورود به این عرصه شده است.

باید توجه داشت که وجود استانداردهای قوی و مقررات جامع‌و مانع، در هر زمینه اجرایی مؤثر است؛ در حالی که متأسفانه استانداردهای حسابداری مربوط و مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی به‌اندازه کافی قوی نیست و دچار کلی‌گویی است همچنان‌که ضمانت اجرایی بالایی ندارند و رجحان شکل بر محتوی در رعایت مقررات و استانداردها ساری و جاری است.

کدگذاری محوری

عبارت است از سلسله رویه‌هایی که پس از کُد گذاری باز انجام می‌شوند تا با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، اطلاعات را به شیوه‌های جدیدی با یکدیگر مرتبط سازد (Bazargan, 2012).

طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط درمی‌آیند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز مستلزم استفاده از روش مقایسه ثابت است. تحلیل مقایسه ثابت، مقایسه رویداد در مقابل رویداد برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها است. هدف این مرحله بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی شده است. در این مرحله، نوع مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری محوری (مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط بستر، راهبردها و پیامدها) مشخص می‌شود (Mehrani & Eskandar 2016).

پژوهشگران باید مقوله‌های شناسایی شده را در دسته‌های پنج گانه زیر طبقه‌بندی کنند. به این مرحله، کدگذاری محوری می‌گویند.

مقوله یا پدیده اصلی (محوری): منظور پدیده اصلی (هسته) مورد مطالعه است و حادثه یا اتفاق اصلی است که یک سلسله کنش‌ها، کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود.

الف) شرایط علی یا سبب‌ساز: متغیرها یا رویدادهایی است که ایجاد یا توسعه یک پدیده را هدایت می‌کنند.

ب) راهبردها: فعالیت‌های پیامد‌محور یا نتیجه محوری هستند که باید در رابطه با پدیده مورد بررسی و در بستر مورد بررسی و با وجود شرایط مداخله‌گر، انجام شود.

ج) شرایط مداخله‌گر: به شرایطی اطلاق می‌شود که انجام راهبردها را یا با محدودیت روبه‌رو کرده یا تسهیل می‌کند.

د) شرایط بستر: به منطقه خاص یا زمینه متغیرها اشاره دارد. مجموعه شرایطی است که بر راهبردها اثرگذار است. اغلب محققان در تشخیص و جدا کردن این نوع مقوله‌ها از مقوله‌های علی با مشکل مواجه می‌شوند و در نهایت مقوله‌هایی را که جذاب‌ترند، به عنوان شرایط علی و مقوله‌هایی را که جذابیت کمتری دارند، در قالب شرایط بستر طبقه‌بندی می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰)

ه) پیامدها: نتایج اجرای راهبردها هستند. این طبقه‌بندی در ادامه مقاله در مورد مقوله‌های شناسایی شده صورت گرفته است.

کدگذاری انتخابی

هدف این مرحله، انتخاب مقوله محوری و مرتبط ساختن سایر مقوله‌ها بر محور آن است؛ به این معنا که پژوهشگر با استفاده از کدگذاری انتخابی به صورت منظم و عینی به انتخاب مقوله محوری پرداخته و سایر مقوله‌ها تابع آن قرار می‌گیرند (استراوس، ۱۹۸۷)، سپس پژوهشگر مقوله محوری را با سایر مقوله‌ها به شکل نظام مندی مرتبط می‌کند، روابط را اعتبار می‌بخشد و مقوله‌های نیازمند بهبود و تدوین را تکمیل می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). معیارهای زیر را برای انتخاب یک مقوله محوری ضروری می‌دانند. این مقوله باید در کانون قرار داشته باشد، یعنی سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شوند. (قابلیت تلفیق و ترکیب سایر مقوله‌ها را داشته باشند)، با فراوانی بالایی در تحلیل ظاهر شده و تکرار شود، به اندازه کافی انتزاعی باشد و بتواند تبیین منطقی و سازگاری از رابطه میان مقوله‌ها ارائه دهد، با تغییر شرایط تبیین کماکان صادق باشد. هرچند شناسایی مقوله محوری دشوار است، در تدوین نظریه عنصر اساسی شمرده می‌شود. ممکن است چنین مقوله‌ای در نتایج کدگذاری محوری موجود باشد، اما در غیر این صورت باید مقوله جدیدی خلق شود (Strauss & Corbin, 1998).

پس از آن که مقوله محوری شناسایی شد، همه مقوله‌های دیگر، مقوله‌های فرعی و توصیفگر مقوله محوری می‌شوند. سرانجام از طریق ترسیم پیوند بین مقوله کانونی و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مطالعه به صورت یکپارچه، نظریه داده بنیاد تدوین می‌شود (Nouri & Mehr Mohammadi, 2011). در این پژوهش مقوله "خصوصی سازی" که تمام مقوله‌ها در رابطه با آن شکل گرفته‌اند و قادر به توضیح آن هستند، به عنوان مقوله محوری انتخاب شده است. بنا بر نظریه کرسول (۲۰۰۵) یک نظریه پرداز زمینه بنیان می‌تواند نظریه خود را به ۳ شیوه ممکن ارائه نماید: به صورت نمودار، به شکل روایت یک داستان، و یا به

صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها. در این پژوهش نظریه خلق شده به شکل زیر ارائه شده است. از آنجا که موضوع پژوهش حول خصوصی‌سازی است، این موضوع به منزله مقوله محوری منظور و در مرکز مدل قرار گرفت؛ از ۵۳ مفهوم شناسایی شده، ۲۸ قلم در شرایط بستر و ۲۵ مورد شرایط مداخله‌گر تشخیص داده شد و بر اساس آن‌ها ۳۳ قلم به عنوان راهبرد و ۱۵ مورد هم به عنوان پیامدهای اجرای صحیح خصوصی‌سازی درج گردید.

مدل یکپارچه نقش مسائل مالی و اقتصادی بر خصوصی‌سازی در ایران در نگاره شماره ۵ به شرح صفحه بعد ارائه شده است:

مدل بدست آمده عوامل علی، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر و سپس راهبردها و پیامدهای خصوصی‌سازی را از منظر مسائل مالی و اقتصادی که مقوله‌هایی در راستای یکدیگر هستند، نشان می‌دهد. برای مقابله با اقتصاد ناآزاد، کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی، در مقابل نبود ثبات اقتصادی، ایجاد ثبات در ارزش ارز و کنترل تورم و به همین ترتیب، تقویت روابط با بازارهای بین‌المللی، افزایش تعامل با جوامع حرفه‌ای دنیا، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مبارزه با رانت خواری و فساد اقتصادی، واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی بدون توجه به میزان مرغوبیت آن‌ها، دوری از فشارهای مالیاتی به شرکت‌های واگذارشونده با توجه به شناخته شده بودن آن‌ها، استفاده از مشوق‌های مالی و سرمایه‌ای، اعطای تسهیلات اعطایی به بخش‌های خدماتی با نرخ سود پایین، توجه به کارآفرینان بخش خصوصی، اعمال حمایت از شرکت‌ها پس از واگذاری، رفع رابطه سالاری در تعیین مجریان خصوصی‌سازی، تقویت فرهنگ پاسخگویی دولت، جلوگیری از تغییرات پی‌درپی مدیریت و از بین بردن فرهنگ ضد خصوصی‌سازی را اجرا نمود.

شرایط علی مالی و حسابداری نیز شامل مسائل درون‌سازمانی شرکت‌ها، مسائل برون‌سازمانی شرکت‌ها، مشکلات مربوط به محاسبات و برآوردها و عوامل انگیزشی است که اجرای خصوصی‌سازی را با توجه بستر اجرایی و موارد مداخله‌گر مذکور دشوار ساخته است که با توجه به موارد مذکور می‌توان نسبت به حل موارد مذکور با راهبردهای مطرح شده اقدام نمود.



ارزیابی کیفیت مدل به روش دلفی

• شناسایی و غربالگری شاخص‌های پژوهش

در گام نخست به غربالگری و شناسایی شاخص‌های نهایی پژوهش پرداخته شد. براساس مصاحبه‌ها و منابع مورد مطالعه، در مجموع ۵۳ زیر معیار (کد) شناسایی شده است. برای غربال شاخص‌ها و شناسایی شاخص‌های نهایی از رویکرد دلفی فازی و برای سنجش اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (به کارگیری اعداد فازی) به پیش‌بینی بلند مدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت. در این مطالعه نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۷ درجه گردآوری شده است.

جدول (۸): طیف هفت درجه فازی برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها

مقیاس عدد فازی	مقدار فازی	متغیر زبانی
(0, 0, 0.1)	1	کاملاً بی اهمیت
(0, 0.1, 0.3)	2	خیلی بی اهمیت
(0.1, 0.3, 0.5)	3	بی اهمیت
(0.3, 0.5, 0.75)	4	متوسط
(0.5, 0.75, 0.9)	5	با اهمیت
(0.75, 0.9, 1)	6	خیلی با اهمیت
(0.9, 1, 1)	7	کاملاً با اهمیت

• راند نخست تکنیک دلفی

دیدگاه ۱۲ کارشناس پیرامون هر یک از ۵۳ شاخص جمع‌آوری و بخشی از آن در جدول شماره ۹ نمایش داده شده است:

در گام بعدی باید دیدگاه خبرگان تجمیع شود. برای تجمیع نظرات n پاسخ‌دهنده، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در واقع این روش‌های تجمیع، روش‌هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده‌اند.

جدول (۹): فازی سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص های تحقیق

	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲
Q01	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.1, 0.3, 0.5)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q02	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.3, 0.5, 0.75)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)

برای نمونه یک روش مرسوم برای تجمیع مجموعه ای از اعداد فازی مثلثی را کمینه ۱ و میانگین هندسی m و بیشینه u در نظر گرفته اند. فرمول های مربوط در قالب روابط ۱، ۲ و ۳ به شرح زیر است.

$$1) F_{AGR} = \left(\min\{l\}, \prod\{m\}, \max\{u\} \right)$$

$$2) F_{AGR} = \left(\min\{l\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max\{u\} \right)$$

$$3) F_{AVE} = \left(\left\{ \frac{\sum l}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum u}{n} \right\} \right)$$

هر عدد فازی مثلثی حاصل از تجمیع دیدگاه خبرگان برای شاخص j ام به صورت زیرنمایش داده شده است:

$$\tau_j = (L_j, M_j, U_j)$$

$$L_j = \min(X_{ij})$$

$$M_j = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n X_{ij}}$$

$$U_j = \max(X_{ij})$$

اندیس i به فرد خبره اشاره دارد. به طوری که

- X_{ij} : مقدار ارزیابی خبره i ام از معیار j ام
- L_j : حداقل مقدار ارزیابی ها برای معیار j ام

- M_j : میانگین هندسی مقدار ارزیابی خبرگان از عملکرد معیار j ام
- U_j : حداکثر مقدار ارزیابی‌ها برای معیار j ام

(Cheng et al., 2009)

در این مطالعه از روش میانگین فازی استفاده شده است.

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}:$$

(Cheng et al., 2009)

یکی دیگر از روش‌های ساده برای فازی زدایی میانگین اعداد فازی مثلثی به صورت زیر ارائه شده است:

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}; x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}; x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = Z^* = \max(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3)$$

مقادیر x_{max}^i تفاوت چندانی باهم ندارند و همواره عددی نزدیک به M هستند. منظور از M میانگین حاصل از تجمیع مقادیر محتمل m از اعداد فازی مثلثی مختلف است. با این وجود مقدار قطعی بزرگ‌ترین x_{max}^i محاسبه شده در نظر گرفته می‌شود (بوجادزیف و بوجادزیف، ۲۰۰۷).
در این مطالعه برای فازی زدایی از روش مرکز سطح به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$DF_{ij} = \frac{[(u_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

(Tzeng & Teng, 1993)

بخشی از میانگین فازی و برونداد فازی زدایی شده مقادیر مربوط به شاخص‌ها در جدول شماره ۱۰ آمده است. مقدار فازی زدایی شده بزرگ‌تر از ۰/۷ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز کمتر از ۰/۷ داشته باشد، رد می‌شود.

جدول (۱۰): نتایج حاصل از غربال گری شاخص ها (راند نخست)

نتیجه	مقدار قطعی	میانگین فازی	کران بالا	مقدار محتمل	کران پایین	شاخص ها
پذیرش	0.80	(0.93,0.83,0.65)	0.93	0.83	0.65	C01
پذیرش	0.78	(0.93,0.8,0.62)	0.93	0.80	0.62	C02
پذیرش	0.86	(0.96,0.88,0.73)	0.96	0.88	0.73	C03
پذیرش	0.86	(0.97,0.88,0.72)	0.97	0.88	0.72	C04

با توجه به نتایج بدست آمده، همه شاخص ها امتیاز بالای ۰/۷ کسب کردند و برای راند دوم استفاده شدند.

• راند دو تکنیک دلفی

تحلیل دلفی فازی برای شاخص ها در راند دوم ادامه پیدا کرد. در این مرحله ۵۳ شاخص براساس دیدگاه ۱۲ خبره مورد ارزیابی قرار گرفت و بخشی از نتایج حاصل از فازی زدایی عناصر در راند دوم در جدول شماره ۱۱ گزارش شده است.

جدول (۱۱): فازی سازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص های تحقیق

	خبره ۱	خبره ۲	خبره ۳	خبره ۴	خبره ۵	خبره ۶	خبره ۷	خبره ۸	خبره ۹	خبره ۱۰	خبره ۱۱	خبره ۱۲
Q01	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q02	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)
Q03	(0.9, 1, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)	(0.75, 0.9, 1)	(0.75, 0.9, 1)	(0.9, 1, 1)	(0.5, 0.75, 0.9)

جدول (۱۲): میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو)

شاخص‌ها	کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	میانگین فازی	مقدار قطعی	نتیجه راند ۲
Q01	0.78	0.92	0.98	(0.98,0.92,0.775)	0.89	پذیرش
Q02	0.70	0.88	0.97	(0.97,0.88,0.7)	0.85	پذیرش
Q03	0.75	0.90	0.98	(0.98,0.9,0.75)	0.88	پذیرش

• **پایان راندهای تکنیک دلفی**

در دور دوم هیچ سوالی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سؤالات راند اول و راند دوم باهم مقایسه شوند. در صورتی که اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم (۰/۲) کوچک‌تر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (Latifi et al., 2018).

جدول (۱۳): فاصله مقدار قطعی راند نخست و راند دو

معیارهای تحقیق	میانگین فازی راند اول	مقدار قطعی راند اول	میانگین فازی راند دوم	مقدار قطعی راند دوم	اختلاف دو راند
دولتی (نا آزاد) بودن اقتصاد	(0.93,0.83,0.65)	۰.۸۰۳	(0.98,0.92,0.775)	۰.۸۹۲	۰.۰۸۸
ضعف بازار سرمایه و بورس	(0.93,0.8,0.62)	۰.۷۸۳	(0.97,0.88,0.7)	۰.۸۵۰	۰.۰۶۷
عملکرد بانک‌ها و نهادهای مالی	(0.96,0.88,0.73)	۰.۸۵۷	(0.98,0.9,0.75)	۰.۸۷۷	۰.۰۲۰
بروکراسی زاید	(0.97,0.88,0.72)	۰.۸۵۷	(0.97,0.88,0.7)	۰.۸۵۰	۰.۰۰۷

بر اساس نتایج به دست آمده که بخشی از آن در جدول شماره ۱۳ گزارش شده است، مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچکتر از ۰/۲ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش فراتحلیل و سپس به روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تنوری) به جمع‌آوری نظر پژوهشگران و صاحب‌نظران در مورد نقش مسائل مالی و اقتصادی در خصوصی‌سازی در ایران پرداخته شد که حاصل آن بیانگر عوامل گوناگونی است که اجرای این موضوع اساسی را دچار اختلال نموده است.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد موانع خصوصی سازی از دو دریچه قابل بررسی است: ۱- موانع به اجرا در آمدن؛ ۲- موانع اجرای صحیح؛ یعنی موانعی وجود دارد که اساساً جلوی خصوصی شدن بخش‌های عمومی را می‌گیرد و مسائل دیگری، آنجا که اراده‌ای برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد، اجرای آن را به بیراهه برده و خصوصی سازی را از اهداف آن بشدت دور می‌سازد. مساله قابل توجه دیگر این است که در تحقیقات متعددی که صورت گرفته، عموماً دیدگاه‌ها، زوایا و عرصه‌های خاص در شکل‌گیری تحقیق اثرگذار بوده است. باید اذعان نمود که هرچند نظرات کارشناسان مناطق مختلف حاوی موارد خاص منطقه‌ای نیز هست (مثلاً یافته‌ها نشان داد در برخی نقاط کشور، روابط خویشاوندی و قبیله‌ای بر روند خصوصی سازی مؤثر است)، اما نمی‌توان موارد مذکور را جزء عوامل اقتصادی و مالی که مد نظر این پژوهش است، طبقه‌بندی نمود و در واقع در خصوص مؤلفه‌های اقتصادی و مالی، نظرات کارشناسان مناطق مختلف فاقد ویژگی منطقه‌ای می‌باشد.

چنانکه یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل گوناگونی بر خصوصی سازی و کیفیت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اثرگذار هستند که در واقع تمامی این موارد حتی در جزئی‌ترین بخش می‌تواند جلوی خصوصی سازی و حرکت رو به جلوی اقتصاد را بگیرد و اجرای راهبردها می‌تواند سرعت و کیفیت آن را بهبود بخشد که این بیانگر لزوم حساسیت تمام ارکان جامعه اعم از قوای سه‌گانه و آحاد مردم در برطرف نمودن موانع مذکور و هموارسازی مسیر خصوصی سازی در کشور است.

پیش از این هم عنوان شد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روند خصوصی سازی، عوامل اقتصادی است. اصلاح ساختار اقتصادی کشور که به شدت تحت تأثیر وضعیت جهانی نفت، نوسانات نرخ ارز است، عدم حمایت از تولید و اشتغال‌زایی و غلبه بخش‌های شبه خصوصی یا به اصطلاح خصولتی بر سایر بخش‌ها اولین گام در اجرای خصوصی سازی است. اگر حکومت بتواند با عزم و عملکرد جدی در بر پایه توانایی‌های علمی متخصصان و اقتصاددانان در جهت کنترل تورم و نرخ ارز، ثبات و آرامش را بر فضای اقتصادی جامعه حاکم کند و در ادامه به تقویت بازارهای مالی و پشتیبانی از آن‌ها و ایجاد سیستم‌های یکپارچه اطلاع‌رسانی به عموم مردم، امنیت سرمایه‌گذاری را تضمین نماید، با افزایش کارایی سرمایه‌گذاری در تولید، بخش قابل توجهی از سرمایه مردم به جای گردش در فضای دلالی و سفته‌بازی منجر به تولید، رقابت و نهایتاً پیشرفت در کیفیت محصولات شده و نه تنها بازار داخلی را از محصولات بی کیفیت خارجی بی‌نیاز می‌کند بلکه توان صادرات و به تبع آن ارزآوری را افزایش می‌دهد که این همان رونق اقتصادی است که همه را بهره‌مند می‌سازد.

در صورت ادامه روند انحصاری بازار در بسیاری موارد، نمی‌توان از فضای تاریک و غبارآلود رانتی و زیرزمینی اقتصاد گریخت و ضعف بخش خصوصی روز به روز بیشتر خواهد شد تا جایی که اگر عزمی هم باشد توانی برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد وجود نداشته باشد. علاوه بر کوتاه کردن دست رانتخواران، اصلاح ساختار اقتصادی، مستلزم برداشتن موانع دیوان‌سالاری (بوروکراتیک) و تمرکز یک سازمان مسوول و مستقل، به دور از سفارش افراد وابسته به قدرت برای دور زدن قانون، به جای تعدد نهادهای غیرمستقل است.

از نتایج معمول خصوصی‌سازی، افزایش بهره‌وری و اثربخشی است که یکی از روش‌های آن حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده است؛ بخش خصوصی معمولاً پس از ورود، عملیات اضافی را حذف می‌کند و پرسنل را برای افزایش کارایی تحت فشار قرار می‌دهد و پرسنل مازاد را به دور مصلحت‌اندیشی‌ها از شرکت حذف می‌نماید که می‌تواند نتایج ناخوشایندی برای جامعه داشته باشد؛ اینجاست که یک دولت توانمند باید با انجام پیش‌بینی‌های لازم مانع از افزایش بیکاری و تقویت اشخاص مثلاً با تسهیلات ارزان، اقدامات پیشگیرانه را انجام دهد.

بستری که برای اقدامات اساسی همچون خصوصی‌سازی وجود دارد، با اجزایی شناسایی شده است که در کشور قابل مشاهده است؛ در واقع شناسایی محیط و بستر جهت تعیین راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ هرچه حضور دولت در عرصه تجارت و اعمال تصدی‌گری کم‌رنگ‌تر شود، فرصت‌های رانتی کمتر شده، فضای اقتصاد به سمت آزادی بیشتر سوق داده می‌شود و بستر برای خصوصی‌سازی مناسب‌تر می‌شود. به نظر می‌آید که بهتر است دولت به جای نقش‌آفرینی مستقیم در عرصه تجارت و اقتصاد، به بهبود ساختار سازمانی شرکت‌هایی که قصد بر واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی هست، تقویت نهادهای مالی و از بین بردن ضعف‌های بازار بورس اوراق بهادار و از کاهش تبعات منفی خصوصی‌سازی، از جمله بیکاری، پردازد و با مهار تورم و نوسانات نرخ ارز، ثبات و پایداری را به فضای کسب‌وکار برگرداند.

همچنین انتظار می‌رود قوه مقننه در مورد قوانین مربوط به خصوصی‌سازی و نقاط ضعف موجود در آن بازنگری کند، دولت در نظارت بر اجرای صحیح قوانین و قوه قضاییه در برخورد قاطع با ناقضین قوانین، جدیت بیشتری به خرج دهند.

به نظر کارشناسان، در ایران برای اتخاذ تصمیم‌ها، استفاده از اطلاعات حسابداری هنوز به صورت یک فرهنگ در نیامده و اهمیت حسابداری و گزارش‌های مالی در توسعه اقتصادی مورد درک کافی واقع

نشده که در نتیجه آن، آن گونه که باید و شاید از ابعاد کاربردی حسابداری استفاده نمی‌شود بلکه مسوولین، حسابداری را بیشتر ابزاری برای وقایع‌نگاری می‌شناسند تا وسیله‌ای برای روشن و شفاف ساختن مسیر و یافتن راه کارهای مناسب که دلیل اصلی آن نیز در واقع مشکلات دانش و آگاهی مدیران و مجریان امر خصوصی سازی است.

مجریان خصوصی سازی بهتر است از مسائل مالی و حسابداری آگاهی مطلوب داشته باشند یا حداقل در تیم اجرایی خود از وجود کارشناسان توانمند حسابداری بهره ببرند. در این خصوص نباید از مساله شایسته سالاری در انتخاب مدیران عامل و مدیران مالی با دانش به روز غافل ماند. یافته‌های پژوهشگران حسابداری در عرصه‌های گوناگون اجرایی و دانشگاهی می‌تواند به کار گرفته شود و تقویت و تثبیت مفاهیمی چون حاکمیت شرکتی که مقالات و پایان‌نامه‌های بیشماری در مورد آن انجام شده و متأسفانه به جای بهره‌برداری کاربردی بیشتر بایگانی می‌شوند و در ویرین‌ها نگهداری می‌شوند. اگر از ابزارهایی چون حسابرسی مستقل، حسابرسی داخلی و کمیته‌های حسابرسی به‌درستی استفاده شود و این‌ها در شرکت‌های دولتی واگذارشونده کاملاً از حالت تشریفاتی خارج شوند آنگاه خواهیم دید که کیفیت اطلاعات و گزارش‌های حسابداری که به نظر کارشناسان تا حد زیادی پایین است، تا چه میزان افزایش می‌یابد. اگر تقارن اطلاعاتی برای ذینفعان فراهم شود، تا حد زیادی فرصت‌های رانتی برای تصاحب شرکت‌های مرغوب واگذارشونده از بین می‌رود و این امر منتج به رقابت سالم در واگذاری شرکت‌ها و کسب حداکثر عواید مالی در خزانه بیت‌المال؛ هرچند در این امر نیز وجود تخصص کافی افراد ذیصلاح در ارزشیابی دارایی‌ها و سهام شرکت‌ها به شدت ضروری است. این را هم باید در نظر داشت که به نظر می‌رسد در بحث خصوصی سازی، استانداردهای حسابداری مرجعی کامل برای مجریان مالی این امر فراهم نمی‌کند. در مورد میزان دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف نیز به نظر می‌رسد.

کاهش هزینه نمایندگی در شرکت‌ها، افزایش شفافیت در گزارشگری مالی، دسترسی به اطلاعات کامل و باکیفیت، ایجاد تقارن اطلاعاتی، ارتقای نظام کنترل داخلی، ارتقای نظام راهبری شرکتی، شناسایی ریسک‌ها، برطرف شدن نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان، تضعیف اقتصاد زیرزمینی، کاهش فساد اقتصادی و رانت خواری، مدیریت کارآمد، افزایش اثربخشی و کارایی اقتصادی و مالی، افزایش اعتماد عمومی، محافظت از بیت‌المال و تقویت بازارهای مالی و سرمایه‌ای است که حصول این نتایج برای رونق اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار حیاتی است.

References

- Adamson, F., & Galloway, M. (2019). Education privatization in the United States: Increasing saturation and segregation. *Education Policy Analysis Archives*, 27(129). <https://doi.org/10.14507/epaa.27.4857>
- Alipour, M. (2013). Has privatization of state-owned enterprises in Iran led to improved performance? *International Journal of Commerce and Management*, Vol. 23 No. 4, pp. 281-305. <https://doi.org/10.1108/IJCoMA-03-2012-0019>
- Amiri, Mojtaba; Shahrzad Nairi; Marjan Saffari and Fatemeh Delbari Ragheb. (2013). Explaining and Prioritizing Barriers to Privatization and Private Sector Participation in Sports Development, *Sports Management*, Volume 5; No. 4, 106- 83.
- Azar, A. Lashgari, Z. Amraee, H. (2009). A Comparative Study of the Performance of Companies Transferred to the Private Sector during 2001-2006, Publications of the Ministry of Economic Affairs and Finance. (in Persian)
- Bazargan, Abbas, (2012). An Introduction to Qualitative Research Methods and a Mix of Common Approaches in Behavioral Sciences, Nidar Publishing, Tehran. (in Persian)
- Carnoy, M. & Marachi, R. (2020). Investing for “Impact” or Investing for Profit? Boulder, CO: National Education Policy Center. Retrieved [date] from <http://nepc.colorado.edu/publication/social-impact-bonds>
- Cheng, Jao-Hong; Chih-Ming Lee; Chih-Huei Tang. (2009). An Application of Fuzzy Delphi and Fuzzy AHP on Evaluating Wafer Supplier in Semiconductor Industry, *wseas transactions on information science and applications*, Vol 6, PP 756-767.
- Danesh Jafari, Davood and Barghi Oskooi, Mohammad Mehdi. (2009). Investigating the effects of implementing the general policies of Article 44 on macroeconomic variables using the CGE model approach of Economic Research, 3 (3), 15-38. (in Persian)
- Edwards M., Davies M., Edwards A. (2009). What are the external influences on information exchange and shared decision-making in healthcare consultations: A meta-synthesis of the literature, *Patient education and counseling*, 75(1): 37-52.
- Enright. Caroline, (2020). Someone to Lien on: Privatization of Delinquent Property Tax Liens and Tax Sale Surplus in Massachusetts, 61 B.C.L. Rev. 667, <https://lawdigitalcommons.bc.edu/bclr/vol61/iss2/>

Estrin, A. and Pelletier, A. (2018). Privatization in Developing Countries: What Are the Lessons of Recent Experience? *TheWorld Bank Research Observer*, vol. 33, no 1. <https://academic.oup.com/wbro/article-abstract/33/1/65/4951686> by guest on 02 August 2020

Ghanbari, Ali and Hashem Spanloo, Hashem. (2008). Obstacles and Problems of Implementing General Policies of Article 44 and Duties of Regulatory Institutions, *Journal of Strategy*, 14. (in Persian)

Hemmati, Mohammad; Marzieh Ardakanizadeh, and the victims of Fauzia. (2011). Prioritization of Privatization Barriers; Through the process of hierarchical analysis, Tehran, National Conference on Privatization. (in Persian)

Komijani, Akbar (2003). Assessing the performance of privacy in Iran, Tehran, Ministry of Economic Affairs and Finance, pp. 33. (in Persian)

Latifi, Somayeh; Raheli, Hussein; Yadi, Hussein; Saadi, Heshmat. (2018). Identifying and explaining the implementation stages of conservation agriculture development in Iran with fuzzy Delphi approach, *Iranian Biosystem Engineering*, Article 11, Volume 49, Number 1, pp. 107-120. (in Persian)

Mehrani, Sasan and Eskandar, Hoda (2016). Explaining the Paradigm Modeling of Auditor-Owner Negotiations on Financial Reporting, *Empirical Accounting Research*, No. 22, pp. 143-169. (in Persian)

Nasiri, Morteza (2003). Some legal considerations regarding state-owned companies, parliament and research, *Journal of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly of the tenth year, Special Issue of Justice and Law*, No. 38, pp. 174-163 (in Persian).

Nouri, A., Mehr Mohammadi, M. (2011). A model for using the theoretical method derived from data in educational research. *Curriculum Studies*, 6 (23), 35-8. (in Persian)

Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in nursing & health*, 30(1), 99-111.

Sriyono, E. (2019). Privatization in Water Resources Management: The Case of Indonesia. *Journal of Physics*. To cite this article: Edy Sriyono 2019 J. Phys.: Conf. Ser. 1175 012023

Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures For Developing Grounded Theory* (2 Nd Ed.). Sage Publications, Thousand Oaks, CA, USA.

Yaqubi, Mohammad. Seifi, Vahid. Sadeghi Shahedani, Mehdi (2021). Basic privatization strategy in Iran. Economic Strategy Quarterly, Volume 10, Number 2, Summer, pp. 215-250.

Eskandari, Fardad. Razmjui, Muharram. 2019, Comparative studies of privatization and development of a suitable strategic model for Iran. Quarterly Journal of Business Research, No. 92, Fall, pp. 201-230.

Razzaqi, Ebrahim. (1997). The Effect of Privatization on Iran's Security and Social Stability. Political-Economic Information -, 116-115 (1376): 168-177.

Nwankwo, S., & Richards, C. (2001). Privatization, the myth of free market orthodoxy in sub-saharan Africa, The Intonation of public sector Management, 2, 21-25.